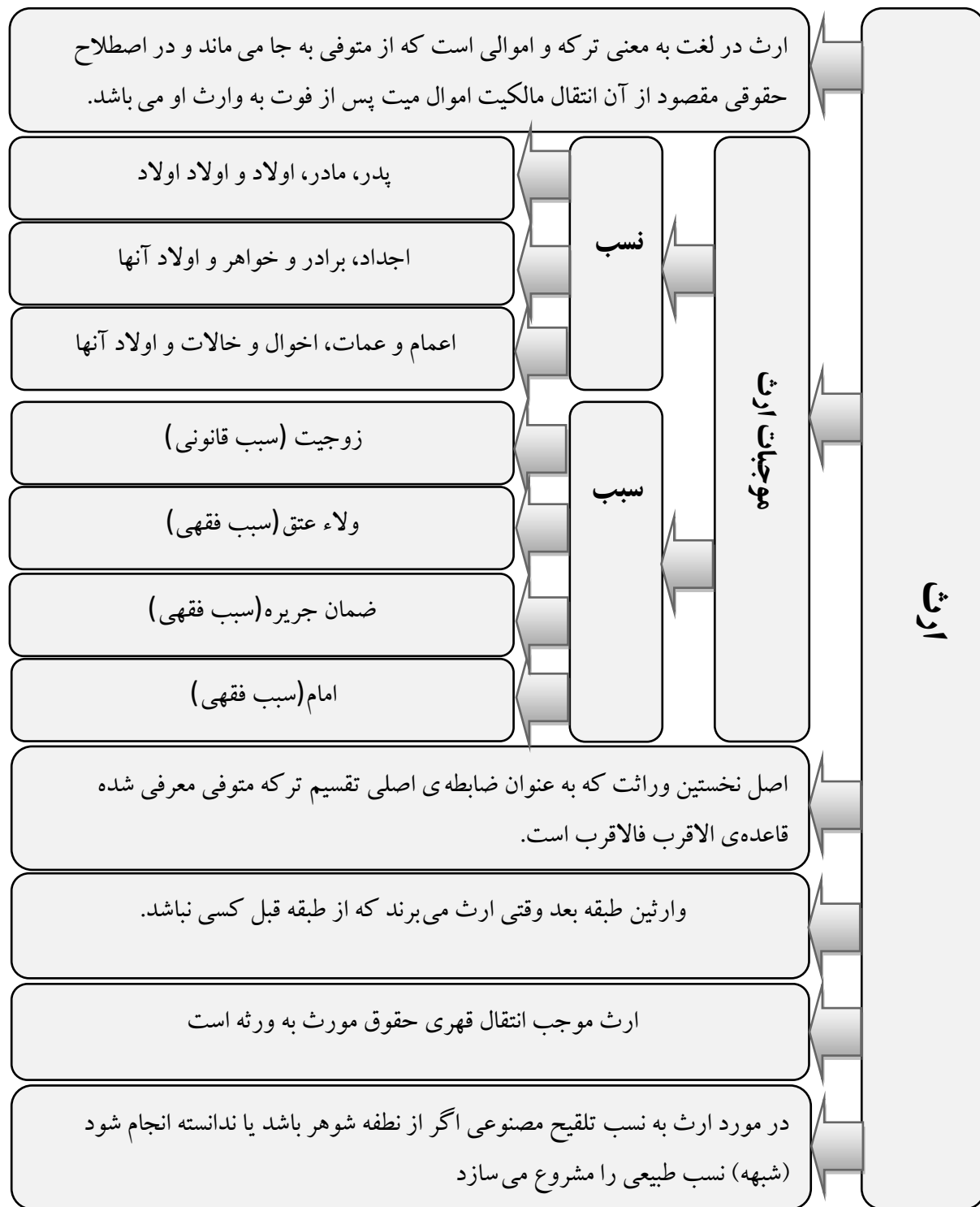


مبحث بیست و پنج

ارث



انواع خویشاوندی عبارت است از 1- **صعودی** (طولی یا عمودی): خویشاوندی که پدر و مادر و اجداد، نسبت به اولاد و اولاد اولاد خود دارند 2- **نزولی** (طولی یا عمودی) خویشاوندی که اولاد یا اولاد اولاد نسبت به پدر و مادر و اجداد خود دارند



## موانع ارثو آثار آن

### موانع ارث

**کفر** (کافر از مسلمان ارث نمی برد ولی مسلمان از کافر ارث می برد)

**لعان** (بعد از لعان زن و شوهر از یکدیگر و فرزندی که به سبب انکار او لعان شده از پدر و پدر از او ارث نمی برد.)

**ولد الزنا** (ولد الزنا از پدر و مادر و اقوام آنان ارث نمی برد)

**قتل** (کسی که مورث خود را عمداً بکشد از ارث محروم می شود چه بالمباشره و چه بالتسبیب، چه منفرداً چه مشترکاً)

**رضایت مقتول** برای شرکت در اقدامی که به منظور قتل عمدی انجام می شود مانع از عمدی بودن قتل نیست.

**معاونت در قتل** مورث هم مانند شرکت در قتل بوده و مانع از ارث می شود.

**سقط حمل** هم از جهت ممنوع ساختن از ارث در حکم قتل است.

**قتل خطایی و شبه عمدی** مانع از ارث نیست ولی قاتل از دیه ارث نمی برد.

**قتل از روی ترحم** (اوتانازی) که به دستور مورث انجام شود سبب حرمان از ارث نیست.

قربان به معنی نزدیکی است و اصطلاحاً خویشاوندی می باشد که قسمت دوم ماده 894 قانون مدنی اعلام داشته، صاحبان قربان کسانی هستند که سهم آنان معین نیست مانند پسر میت

وراثی که همیشه به فرض ارث می برند

**مادر** (فرض مادر در صورت نبودن اولاد برای متوفی  $\frac{1}{3}$  (به استثنای موارد مواد 906 و بند ب ماده 892 ق.م) و در صورت بودن اولاد  $\frac{1}{6}$  ترکه است)

**زوج** (فرض زوج اگر زوجه او هنگام فوت دارای اولاد نباشد  $\frac{1}{4}$  و در صورت وجود اولاد  $\frac{1}{8}$  ترکه است)

**زوجه** (فرض زوجه در صورت نبودن اولاد برای متوفی  $\frac{1}{4}$  و در صورت وجود اولاد  $\frac{1}{8}$  است)

**خویشاوندان امی در طبقه دوم** (یعنی جد و جده تا هر قدر که بالا بروند و اخوه (برادر و خواهر) امی و اولاد ایشان تا هر اندازه که پایین بروند همواره فرض برند و فرض ایشان در صورت انفراد خواهر یا برادر  $\frac{1}{6}$  و در صورت تعدد  $\frac{1}{3}$  ترکه است).

**خویشاوندان امی در طبقه سوم** (یعنی احوال و اولاد ایشان تا هر اندازه که پایین بروند همواره فرض برند و فرض ایشان در صورت انفراد  $\frac{1}{6}$  و نیز تعدد  $\frac{1}{3}$  ترکه است که آن را بالسویه بین خود تقسیم می کنند).

انواع وراثت عبارتست از 1- **وراثت به فرض** (یعنی ارث بردن نسبت معینی از ترکه مانند نصف یا ثلث که قانون برای بعضی از وارثین معین کرده است) 2- **وراثت به قربان** (یعنی ارث بردن تمام یا قسمتی از ترکه بدون اینکه نسبت معین از ترکه برای آن مقرر شده باشد).

**پدر:** در صورتی که متوفی هنگام فوت دارای اولاد نباشد، پدر به قرابت ارث می‌برد و اگر اولاد داشته باشد پدر به فرض ارث می‌برد که عبارت است از  $\frac{1}{6}$  ترکه.

**یک دختر:** یک دختر اگر فرزند منحصر متوفی باشد، به فرض ارث می‌برد که فرض او  $\frac{1}{2}$  ترکه است و اگر همراه با فرزند ذکور باشد به قرابت ارث می‌برد.

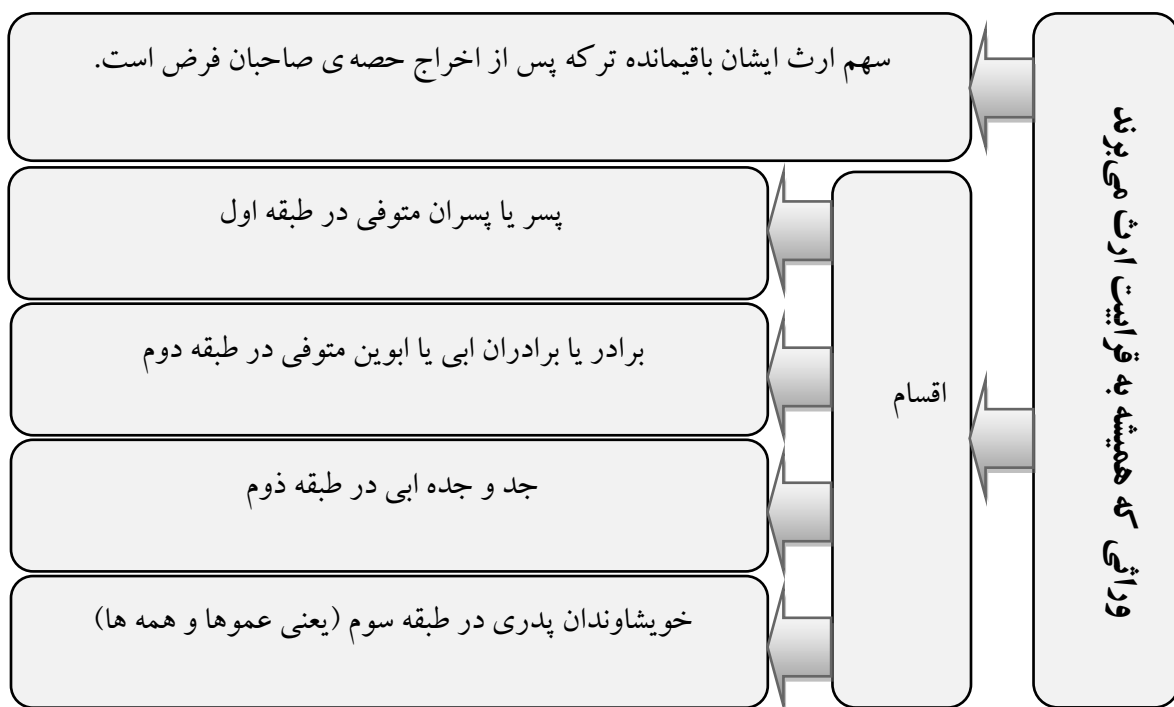
**دو یا چند دختر:** اگر فرزندان متوفی منحصر به دو یا چند دختر باشد، ایشان به فرض ارث می‌برند که فرضشان جمعا  $\frac{2}{3}$  ترکه است و اگر متوفی فرزند ذکور هم داشته باشد دختر ها با پسر یا پسر ها به قرابت ارث می‌برند که سهم ذکور 2 برابر اناث خواهد بود

**دو یا چند خواهر ابوینی یا ابی:** اگر وارث متوفی منحصر ه وراث طبقه دوم باشد و خویشاوندان ابی یا ابوینی او فقط دو یا چند خواهر باشند، خواهر ها به فرض ارث می‌برند که فرض ایشان  $\frac{2}{3}$  ترکه است و اگر ایشان همراه برادر یا برادر های ابوینی یا ابی باشند به قرابت و به قاعده ذکور 2 برابر اناث ارث می‌برند.

**یک خواهر ابوینی یا ابی:** اگر متوفی هنگام فوت خویشاوندان طبقه نخست نداشته باشد و در طبقه دوم از خویشاوندان ابوینی یا ابی فقط یک خواهر داشته باشد این خواهر به فرض ارث می‌برد و فرض او  $\frac{1}{2}$  ترکه است و اگر برادر ابوینی یا ابی هم داشته باشد خواهر به قرابت قرابت و به قاعده ذکور 2 برابر اناث ارث می‌برد.

**کلالة امی واحد:** در صورتی که ورثه متوفی یک خواهر امیو یا یک برادر امی می‌باشد و بقیه کلالة ابوینی یا ابی، کلالة امی سدس ترکه را به فرض برابر بند 2 ماده 922 ق.م می‌برد و بقیه به کلالة ابوینی یا ابی می‌رسد و چنانچه برادر و خواهر ابوینی یا ابی (کلالة) با او نباشد، سدس ترکه بالفرض به او داده می‌شود و بقیه برابر ماده 924 ق.م به رده عنوان قرابت به کلالة امی واحد داده می‌شود. (ماده 897 ق.م)

**کلالة امی متعدد:** در صورتی که ورثه متوفی عبارت از چند خواهر و برادر امی باشند و بقیه کلالة ابوینی یا امی، به دستور بند سوم ماده 922 ق.م ثلث ترکه به فرض، متعلق به کلالة امی متعدد خواهد بود که بین خود بالسویه تقسیم می‌کنند و بقیه به کلالة ابوینی یا ابی داده می‌شود اگر حتی یک نفر باشد. ولی چنانچه با کلالة امی متعدد خواهر یا برادر ابوینی و یا ابی نباشد کلالة امی ثلث ترکه را به فرض و بقیه آن را به رد به عنوان قرابت می‌برد. (ماده 924 و ماده 897 ق.م)



لازم به ذکر است برخی از حقوقدانان کلالة امی را فقط فرض بر می دانند نه قرابت برو اعلام داشته‌اند ماده 897 ق.م از این جهت نادرست می باشد.

طبقات ارث عبارتند از 1- طبقه اول (پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد) 2- طبقه دوم (اجداد و برادرو خواهر و اولاد آنها) 3- طبقه سوم (اعمام و عمت و اخوال و خالات و اولاد آنها)

مادامی که فردی از طبقه اول موجود است از طبقه دوم کسی وارث شناخته نمی شود و هرگاه از طبقه اول کسی نباشد ارث از آن طبقه دوم است.

در هر طبقه از وراثت درجاتی نیز وجود دارد به عنوان مثال اولاد در طبقه اول و در درجه اول هستند و تا هنگامی که اولاد هستند درجه دوم آن طبقه یعنی اولاد اولاد ارث نمی برد. (استثنا ماده 936 قانون مدنی حالت انحصار وراثت به پسر عموی ابوی و یک عموی ابی که عمو ارث نمی برد.

زوج و زوجه به همراه هر کدام از طبقات باشند ارث می برند.

حجب حالت وارثی است که بواسطه ی بودن وارث دیگر از ارث بردن کلاً یا جزاً محروم می شود.

**حجب حرمانی:** یعنی وارثی به واسطه ی بودن وارث دیگر کلاً از ارث محروم می شود مانند محروم شدن برادرزاده از ارث بخاطر بودن برادر یا خواهر متوفی یا محروم شدن اولاد اولاد در صورت بودن حتی یک نفر از اولاد

**حجب نقصانی:** یعنی فرض وارث از حد اعلی به حد ادنی نازل شود مانند تنزل حصه ی شوهر از  $\frac{1}{3}$  به  $\frac{1}{4}$  وقتی زوجه اولاد داشته باشد

انواع حجب

حجب

حجب نقصانی نسبت به این افراد موجود می گردد.

**ابوین:** در صورتی که برای میت اولاد و یا اولاد اولاد باشد ابوین از بردن بیش از سدس ترکه محروم می شوند مگر در موارد مواد 908 و 909

**زوج و زوجه:** در صورتی که برای میت اولاد باشد زوج از بردن بیش از ربع ترکه و زوجه از بردن بیش از ثمن ترکه محروم می شود.

اولاد متوفی لا اقل دو برادر یا یک برادر و دو خواهر

یا چهار خواهر داشته باشد

ثانیاً- پدر آنها زنده باشد.

ثالثاً- از ارث ممنوع نباشد، مگر به سبب قتل

رابعاً- ابوینی یا ابی تنها باشند

**مادر: وقتی**

که برای میت

چند برادر یا

خواهر با

شرایط روبرو

باشد مادر از

بردن بیش از

سدس ترکه

محروم

می شود.

پدر، مادر، پسر، دختر، زوج و زوجه حاجب از اصل ارث ندارند

برادر و خواهر متوفی بدون اینکه ارث ببرند **حاجب مادر** قرار می گیرند و این امر منشاء آن است که میان حجب و ارث ملازمه وجود ندارد.

ضابطه‌ی حجب از اصل ارث **رعايت اقربيت به ميت است** مگر اینکه وارث منحصر به عموی ابی و پسر عموی ابوینی باشد که پسر عموی ابوینی مقدم است با اینکه وارث زودتر بتواند به سمت قائم مقامی ارث ببرد که در این صورت هر دو ارث می برند.





در تمامی طبقات و حالات در صورتی که زوج و زوجه نیز جزو وراث باشند، فرض خود را می‌برند زیرا زوجین در عرض وراث دیگر ارث می‌برند.

در صورتی که وراثت ابوی و ابی با همدیگر باشند، **وارث ابی ارث نمی برد.**

زوج یا زوجه در طبقه دوم و سوم، **فرض اعلی** را می برند.

عول وقتی پیش می آید که ترکه کمتر از فرضهای (سهام) وارثان باشد تعصیب وقتی پیش می آید که ترکه بیش از فرضهای (سهام) وارثان باشد.

اگر همه وراثت فرض بر باشند و بعد از تقسیم ترکه بین آنها و جمع فروض مقداری از ترکه که باقی مانده به نسبت سهم الارث بین وراثت تقسیم می شود.

اگر پس از موضوع کردن نصیب صاحبان فرض، زیادت باشد و نبودن وارثی که زیاده را به عنوان قرابت ببرد تقسیم بین صاحبان فرض انجام می شود.

اگر با وجود داین بودن چند نفر، صاحبان فرض ترکه میت کافی برای نصیب تمام آنها نباشد نقص بر بنت و بنتین وارد می شود.

عول و تعصیب

در حالت عول نقص بر **بنت و بنتین** وارد می شود یعنی از سهم دختران کسر می شود.

نمونه عدم کفایت ترکه به سهام ورثه (عول): اگر وارث پدر و مادر و دختر و زوج باشد پدر  $\frac{1}{6}$ ، مادر  $\frac{1}{6}$ ، دختر  $\frac{1}{3}$  و زوج  $\frac{1}{4}$  می برد.  $\frac{1}{6} + \frac{1}{6} + \frac{1}{3} + \frac{1}{4} = \frac{26}{24}$  یعنی به مقدار  $\frac{2}{24}$  بیش از واحد ترکه است که نقص بر دختر وارد می شود که به جای  $\frac{12}{24}$  سهم او  $\frac{10}{24}$  می شود.

منظور از **حبوه** میراث اضافی بزرگترین پسر متوفی است البته بعد از پرداخت دیون میت و در صورت وجود چند پسر هم سن تقسیم حبوه به تساوی میان آنها صورت می گیرد.

**ارث خنثی:** اگر علائم رجولیت غالب باشد سهم الارث یک پسر از طبقه خود را می برد، اگر علائم اناثیت غالب باشد سهم الارث یک دختر از طبقه خود را می برد. اگر خنثی مشکل باشد و هیچ یک از علائم رجولیت یا اناثیت در او غالب نباشد نصف مجموع سهم الارث یک پسر و یک دختر از طبقه خود را می برد.

## ارث زوج و زوجه و میزان آن

در نکاح دائم مشروط به ممنوع نبودن از ارث، زوجین از هم ارث می برند.

در نکاح منقطع ارث وجود ندارد و شرط ارث در آن باطل غیرمبطل است.

### در صورت طلاق

**بائن:** در مدت عده از یکدیگر ارث نمی برند

**رجعی:** در صورت فوت زن یا شوهر قبل از انقضا عده از یکدیگر ارث می برند.

### زوج

بدون وجود وراثت در تمام طبقات ————— تمام ترکه را می برد.

بدون اولاد برای متوفی —————  $\frac{1}{4}$  ترکه را به فرض می برد

### زوجه

با وجود اولاد برای متوفی (زوجه) —————  $\frac{1}{4}$  ترکه را به فرض می برد؛ بدون وجود وراثت در تمام طبقات —————  $\frac{1}{4}$  قیمت ترکه متوفی

بدون وجود اولاد برای متوفی —————  $\frac{1}{4}$  قیمت ترکه متوفی؛ با وجود اولاد برای متوفی (زوج) —————  $\frac{1}{8}$  قیمت ترکه متوفی

❖ زوجیت بی گمان از اسباب توارث است ولی در موارد حکومت و ولایت عمومی دولت در صورت نبودن وارث اختلاف است.

❖ ترکه بدون وارث ، به عنوان مال بدون صاحب در اختیار و مالکیت بیت المال باشد ، ولی این امر به معنی وراثت حاکم نیست .به همین جهت ، کسی که وراثت ندارد می تواند به تمام ترکه وصیت کند

❖ تلقیح مصنوعی در صورتی نسبت طبیعی را مشروع می سازد که از نطفه شوهر باشد یا ندانسته انجام شود (شبه) و در سایر موارد اختلاف وجود دارد.

❖ واژه اجداد اعم است از جد و جده بی واسطه یا اجداد و جدات بالاتر

❖ مقصود از اولاد ، اولاد برادر و خواهر است و شامل اجداد نمی شود ، زیرا فرزندان جد پدر یا مادر است که در طبقه نخست قرار دارد .

❖ مقصود اعم از اعمام و احوال و خالات درجه اول است یا عمو و عمه و دایی و خاله پدر و مادر و اجداد و اعم است از این که خویشی آنان با پدر و مادر ابوینی باشد یا ابی یا امی تنها.

❖ در قرابت نسبی نظام طبقاتی حکومت دارد :بدین بیان که خویشان نسبی وارث به چند طبقه متمایز تقسیم میشوند و گروهی که در طبقه بعد مقدم است بر خویشان طبقه بعد رجحان دارند .

❖ فرضی که دختر عمو همسر متوفی باشد ، مثال شایع موردی است که احتمال دارد.

❖ فرضی که برادر متوفی پسر عموی او هم باشد یا عمو و برادرزاده با هم باشند مثال شایع موردی است چرا که با وجود برادر یا برادرزاده (طبقه دوم)عمو یا عموزاده از طبقه سوم ارث نمی برد

❖ حاکم مأمور اداره ترکه است نه مالک و وارث. بنابراین، کسی که وارثی ندارد حق دارد نسبت به تمام ترکه وصیت کند و نباید تصور کرد که نفوذ در ثلث آن منوط به اجازه حاکم است

❖ در صورتی که متوفی برای اجرای وصیت خود وصی معین کرده باشد اداره ترکه به وصی واگذار می شود.

❖ موت فرضی اشاره به مواردی است که غایب مرده فرض می شود احراز این امر نیز تنها با صدور حکم موت فرضی ممکن است که با انجام دادن تشریفات خاص درباره غایب مفقود الاثر صادر می شود

❖ مقصود از اسقرار مالکیت وارثان، الحاق قطعی سهم هر وارث از ترکه به دارایی او و انحلال شرکته است که از مال وارثان و طلبکاران و موصی لهم تشکیل شده و به ترکه تعبیر می شود

❖ در صورتی که ترکه کافی برای ادای دیون نباشد، حق وارث بر آن از بین نمی رود.

❖ رد و قبول ترکه در انتقال قهری آن به وارثان اثر ندارد

❖ برای دیدن ترتیب حق تقدم و تأخر دیون عادی و بدون وثیقه

❖ اگر بر ادای واجبات مالی وصیت شده باشد، اجرای آن مقدم بر سایر وصایا است

❖ در موردی که عین ترکه رهن دینی باشد و مال ئدیگری برای تأمین هزینه کفن نداشته باشد، این است که هزینه کفن باید از عین وثیقه برداشته شود و بعضی از مؤلفان اجرای این ترتیب را بعید دانسته اند

❖ حکم عدم نفوذ ناظر به تصرفات ناقل از قبیل فروش و صلح و هبه است که از وثیقه عمومی طلبکاران می‌کاهد و شامل قراردادهای مربوط به اداره ترکه نمی‌شود

❖ دعوای عدم نفوذ تنها از طلبکار پذیرفته می‌شود و هیچ یک از دو طرف معامله نمی‌تواند به این بطلان استناد کند بدین ترتیب، باید گفت معامله‌ی انجام شده بین دو طرف نافذ و در برابر طلبکاران غیر قابل استناد است.

❖ موت فرضی نیز در حکم فوت حقیقی است و اموال غایب بین وارثان تقسیم می‌شود با این تفاوت که اگر خلاف آن فرض اثبات و غایب پیدا شود همه چیز به جای خود باز می‌گردد و کسانی که اموال او را به عنوان وراثت تصرف کرده‌اند باید آنچه را که از اعیان یا عوض و یا منافع اموال مذکور حین پیداشدن غایب موجود می‌باشد مسترد دارند

❖ نسبت به آنچه در اثر تصرف وارثان تلف یا به دیگران منتقل شده است آنان مسئولیتی ندارند و معاملات باطل نمی‌شود و تنها عوض اخذ شده به غایب داده می‌شود

❖ عدم توارث نتیجه تعارض اجرای اصل تأخر حادث دربار هریک از درگذشتگان است که تحقق شرط ارث را غیرممکن می‌سازد

❖ به نظر می‌رسد که هدم اتومبیل و هواپیما و کشتی و آسانسور و هر چه اطلاق محل سکنای مشترک بر آن شود در حکم عدم بنا است

❖ شرط عدم توارث وحدت حادثه نیست، ولی در استثناء شرط است که هر دو وارث در یک حادثه غرق یا هدم مرده باشند.

❖ در اجرای قاعده توارث دو تن از یکدیگر، آنچه یکی از آن دو به ارث

